

اخبار حوادث

پیدا شدن جسد پسر جوان در باغ توت کن تهران

پیدا شدن جسد پسر جوان در باغ توت در منطقه کن تهران سناریوی مرموزی را پیش روی ماموران پلیس آگاهی تهران قرار داد. ساعت ۱۶ پنج شنبه ۲۶ مهرماه سال جاری مرد جوانی در تماس با ماموران کلانتری ۱۴۲ کن از پیدا شدن جسد پسر جوانی در یک باغ توت خبر داد. همین کافی بود تا تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران همراه باز پرس مرادی از شعبه دوم دادرسی امور جنایی و تیم تشخیص هویت برای تحقیقات ابتدایی در صحنه جرم حضور یابند. کار آگاهان با حضور در صحنه جرم با جسد پسر جوانی که دور گردنش طنابی بسته شده بود روبرو شدند. مرد جوان که ماجرای پیدا شدن جسد را به پلیس اعلام کرده بود گفت: در حال عبور از باغ توت بودم که با پسر جوانی که روی زمین افتاده بود روبرو شدم و وقتی به نزدیک او رسیدم مشاهده کردم با جسد پسر جوان که دست و پاهایش بسته شده و طنابی دور گردنش بود روبرو شدم. بدین ترتیب جسد پسر جوان برای بررسی علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. بنا به این گزارش، تیم‌های جنایی پلیس تهران به دستسور باز پرس مرادی برای شناسایی هویت پسر جوان وارد عمل شده اند و تحقیقات تکمیلی در این پرونده ادامه دارد.

اعدام برای

سلاخی کردن پسر ناتنی

ناپدری و مادر به جرم شکنجه کودک ۱۰ ساله و به قتل رساندن او با ضربه‌های چاقو به اعدام محکوم شدند. زن کالیفرنایی و نامزدش که به اتهام شکنجه، آزار و اذیت و قتل پسر ۱۰ ساله در ماه ژوئن بازداشت شده بودند، به احتمال زیاد به اعدام محکوم خواهند شد. بر اساس گزارش‌ها، هشر بارون ۲۹ ساله و کریم لیویا ۳۲ ساله از لاکاستر به اتهام زخمی کردن آنتونی آوالس ۱۰ ساله، ضربه زدن به بدن او و مجبور کردن کودک به زانو زدن بر روی برج خام در آخر کشتن او محکوم شده‌اند. همچنین طبق گفته قاضی دادگاه بخش جاناتات حاتامی، والدین بی رحم در روزهای پایانی عمر کودک، صورتش را با اسس داغ سوزاندند، جای سوختگی را بر بدنش گذاشتند و پس از آن اوراسرو ته‌آویزان کردند. به این ترتیب کودک چند ساعت بی هوش کف اتاق افتاده بود و پس از آن که تحت هیچ درمان پزشکی قرار نگرفت و در آخر جانش را از دست داد. طبق نظر هیات منصفه، این دو والدین با به تصویر کشیدن شکنجه‌های وحشیانه و بی رحمانه شان مستحق مرگ هستند و به احتمال زیاد اعدام خواهند شد.

کودک بازگوش آتش نشانان راه در در سار انداخت

کودک بازگوش که یکی از انگشتان دستش را در سوراخ‌های صندلی پارک فرو برده بود پای آتش نشانان را به محل حادثه کشاند. فرمانده عملیات آتش نشانی بجنورد در این باره گفت: با دریافت خبر گیر کردن انگشتان کودک در صندلی پارک، تیمی از آتش نشانان به محل حادثه در پارک بش قارداش اعزام شد. «مجید خوشفترار» ادامه داد: امدادگران ۱۲۵ با بریدن قسمتی کوچک از صندلی، کودک را به ایستگاه آتش نشانی برده و با استفاده از دستگاه مخصوص، انگشت کودک را هاسازی شد. در این حادثه با دقت عمل آتش نشانان هیچ گونه آسیبی به انگشت کودک وارد نشده و به نگرانی والدین پایان داده شد.

قاتل اصلی محیط بان پارک ملی گلستان دستگیر شد

مدیر کل محیط زیست گلستان گفت: در یک عملیات گسترده ضارب اصلی محیط بان شهید گلستانی دستگیر شد. مدیر عبودس گفت: تاکنون ۱۰ نفر از مظنونین قتل محیط بان شهید باشقره دستگیر شدند. وی ادامه داد: از میان دستگیر شدگان تاکنون هویت ۳ نفر که در درگیری حضوری مستقیم داشتند قطعی است. عبودس افزود: با مشخصی که به اختافی متهمان اصلی پرونده کمک کرده اند نیز در میان دستگیر شدگان هستند. محیط بان شهید باشقره در حادثه چهارشنبه گذشته در درگیری با شکارچیان متخلف شهید شد و سه محیط بان دیگر مجروح شدند. ساعت ۴ صبح چهارشنبه گذشته، گروهی ۸ نفره از متخلفان سابقه دار طی درگیری با ماموران محیط زیست پارک ملی گلستان، با شلیک مستقیم گلوله به قلب محیط بان تاج محمد باشقره وی را به شهادت رساندند.

در دادگاه

روز گذشته بعد از این که قاضی رسمیت جلسه را اعلام و نماینده دادستان از کیفر خواست دفاع کرد اولیای دم گفتند که خواسته شان قصاص است. سپس ناصر در جایگاه قرار گرفت و با ادعای اینکه قاتل اصلی نیست در دفاع از خود گفت: چند روز قبل از حادثه سیماک تماس گرفت و برای قتل از من درخواست کمک کرد. او گفت در صورتی که هر دو نفر مرگ قتل شویم پلیس قادر نیست که ما را بازداشت کند و در صورتی هم که دستگیر شویم او رضایت اولیای دم را جلب می کند. او من را فریب داد و با کمک هم مرگ قتل شدیم.

وی افزود: وقتی من به عادل ضربه زدم سیماک هم قفل فرمان را برداشت و چند ضربه به سرش کوبید که بیهوش شد بنابراین مشخص نیست که عادل با ضرباتی که من به او وارد کردم فوت شده یا ضرباتی که سیماک به او وارد کرده است از همین رو او هم در قتل شرکت داشته است.

سپس سیماک در جایگاه قرار گرفت و اتهام را به گردن ناصر انداخت و گفت: ناصر ضربات سنگ را وارد کرد و بعد با چاقو سر مقتول را برید و سرانجام جسد را در بیابان رها کردیم. بنابه این گزارش: هیات قضات بعد از شنیدن آخرین دفاعیات متهمان که یکدیگر را قاتل می دانستند وارد شور شدند تا با استناد به مدارک پرونده قاتل اصلی را شناسایی و مجازات هر دو متهم را مشخص کنند.

و او قبول کرد در اجرای نقشه به من کمک کند.

وی افزود: مطابق نقشه من با عادل تماس گرفتم و از او خواستم با هم به تفریح برویم که قبول کرد. با هم در یکی از خیابان های مرکزی شهر قرار گذاشتیم و با ناصر به دنبالش رفتیم. عادل در صندلی عقب سوار شد و به طرف خارج از شهر رانندگی کردیم. وقتی به محلی خلوت رسیدیم مطابق نقشه ناصر با سنگ بزرگی که از قبل تهیه کرده بودیم به سرش کوبید که بیهوش شد. بعد از آن سرش را از تن جدا کرده و جسد را در محلی خلوت از ماشین بیرون انداختیم و فرار کردیم. با اعتراف های سیماک بود که ناصر هم بازداشت و حرف های همدستش را تایید کرد.

قاتل اصلی

ناصر گفت: من دوست صمیمی سیماک بودم و همیشه در جریان اختلافات ملکی عادل و دوستم بودم سیماک خیلی اذیت شده بود و وقتی از من خواست عادل را به قتل برسانیم اصلا تردیدی نداشتیم چون احساس می کردم سیماک خیلی اذیت شده است.

وی افزود: من ضربه اصلی را زدم و سیماک تصمیم بهتری می گرفتیم. پس از کامل شدن تحقیقات باز پرس ناصر را به اتهام مباشرت در قتل و سیماک را به اتهام معاونت در قتل مجرم شناخت و پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاد شد.



استراحت می کردی؟
یکی از اعضای باند خانهای مجردی در منطقه نظام آباد داشت و شب ها در آنجا می ماندیم و بعد از سرقت هر کسی سهم خودش را برمی داشت.

فکر می کردی دستگیر شوی؟
نه، چون تازه کار بودم و هیچ کسی ما را در زمان سرقت مشاهده نمی کرد فکر اینکه یک روز دستگیر شوم یک رویا بود.

تا کی می خواستی دزدی کنی؟
من تصمیم داشتم کمی از بار بدهکاری ام کم شود و دیگر دزدی نکنم اما خیلی زود دستگیر شدم.

همسرت می دانست دزدی
می کنی؟
نه، ادعا می کردم یک کار جدید در تهران پیدا کردم که آخر هفته ها باید به تهران بروم و در این مدت همسر هیچ شکی به من نکرده بود و نمی دانم اگر بفهمد دستگیر شدم چه حال و روزی پیدا می کند.

خودروی MWM را برای خودت بود؟
بله، آن را هم بعد از ازدواج به صورت شرایطی خریدم، چون به همسرم قول داده بودم.

احتمال نمی دادی خودرویت شناسایی شود؟
من تا حالا دزدی نکرده بودم که بخواهم فکر کنم برای پنهان ماندن سرقت ها چه باید کرد.

سرقت های شبانه براسی تامین هزینه های جشن عروسی

به پول نیاز داشتم. **سرکار می رفتی؟**
بله، ولی زندگی خرج داره و بعد از ازدواج بدهکاری زیادی داشتم به همین خاطر تصمیم گرفتم دزدی کنم.

چه کسی پیشنهاد دزدی را داد؟
یکی از دوستانم که می دانست مشکل مالی دارم پیشنهاد سرقت را مطرح کرد و من هم بدون اینکه به آینده این کار فکر کنم برای فرار از مشکلات پذیرفتم تا با آنها همکاری کنم.

به چه شیوه ای دزدی می کردید؟
پس از شناسایی خانه ها به شیوه بالکن روی یا پنجره روی وارد خانه ها می شدیم و سپس دست به دزدی می زدیم.

چه نقشی در سرقت ها داشتی؟
از صبح که به تهران آمدم با خودرو در خیابان ها پرسه می زدیم و شب در زمان سرقت من داخل خودرو منتظر می ماندم تا دوستانم را پس از سرقت به پاتوق مان برسانم.

چه روز هایی را برای سرقت انتخاب می کردید؟
چهارشنبه شب ها به تهران می آمدم و از صبح پنجشنبه در خیابان های شمال غرب تهران پرسه زنی می کردیم و بعد از شناسایی خانه ها، شب ها برای سرقت دست به کار می شدیم.

چه خانه هایی را هدف قرار می دادید؟
بیشتر خانه های طبقه اول و دوم که پنجره اتاق ها و بالکن هیچ حفاظی نداشت را هدف قرار می دادیم.

چطور از نبود اهالی خانه اطمینان پیدا می کردید؟
چون چند خانه را هدف قرار می دادیم وقتی برای سرقت سراغ سوژه ها می رفتیم اگر خانه ای خالی نبود به سراغ سوژه دیگری می رفتیم به همین خاطر هیچ وقت دست خالی بر نمی گشتیم.

شب های قبل از سرقت کجا
نگران بودیم تا این که به ما خبر دادند او به قتل رسیده است.

آخرین تماس

با این ادعا ها و در حالیکه اطلاعی از عاملان قتل در دست نبود کار آگاهان جنایی در شاخه دیگری از بررسی های شان و با ردیابی های تخصصی مخابراتی تماس های عادل متوجه شدند که او آخرین بار با مردی به نام سیماک که از دوستانش بود قرار ملاقات داشته است.

اعتراف

خیلی زود سیماک شناسایی و تحت تحقیق قرار گرفت و در بازجویی ها به افسر پرونده قتل عادل گفت: روز حادثه با عادل قرار کاری داشتم و سر قرار آمد و بعد از ساعتی هم جدا شدیم و دیگر از او خبری ندارم.

سیماک که سعی داشت با خونسردی خود را بی اطلاع نشان دهد وقتی دید پلیس جنایی او را مظنون اصلی می داند و عادل بعد ملاقات با سیماک نزد هیچ کسی نرفته و با کسی هم تماسی نداشته است چاره ای جز اقرار ندید.

عادل در اعترافات افشاگرانه ای گفت: در قتل عادل تنها نبودم و با همدستی یکی از دوستانم به نام ناصر مرتکب قتل شده ام.

سیماک درباره انگیزه اش گفت: شوهرم مثل همیشه صبح راهی محل کارش شد و شب هر چه منتظر ماندم دیگر به خانه برنگشت. وی افزود: همه جا را جست و جو کردیم به همه زنگ زدیم هیچ اثری نبود جواب تماس هایمان را هم نمی داد



در جریان تحقیقات خود موفق شدند خانواده مرد جوان را که عادل نام داشت شناسایی کنند.

آخرین دیدار

همسر این مرد در بازجویی ها گفت: شوهرم مثل همیشه صبح راهی محل کارش شد و شب هر چه منتظر ماندم دیگر به خانه برنگشت. وی افزود: همه جا را جست و جو کردیم به همه زنگ زدیم هیچ اثری نبود جواب تماس هایمان را هم نمی داد

پلیس قرار داد. وقتی تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران پای در محل پیدا شدن جنایت گذاشتند خود را در برابر جسد قطعه قطعه دیدند که در آن مرد جوانی قربانی جنایتی فجیع شده بود.

شناسایی جسد

قطعات جسد برای شناسایی صاحب آن با دستسور باز پرس جنایی پایتخت به پزشکی قانونی انتقال یافت و خیلی زود کار آگاهان پلیس

گروه حوادث: عاملان بریدن سر یک مرد تهرانی در دادگاه جنایی تهران یکدیگر را قاتل معرفی کردند. اختلاف مالی دو مرد یکی از قتل های فجیع را رقم زد که در آن قاتلان با وجود دوستی با هم در جلسه دادگاه یکدیگر را محکوم کردند.

جسدی با سر بریده

یک سال قبل پیدا شدن جسد مردی جوان در بیابان های تهران یک معمای جنایی را پیش روی ماموران

خبر

دزد با شلیک پلیس دستگیر شد

گروه حوادث: مرد جوان برای فرار از بدهکاری های بعد از جشن عروسی وارد یک باند دزدی شد.

سارق جوان که نمی خواست دستگیر شود با دیدن ماموران پا به فرار گذاشت اما شلیک های پلیس او را زمین گیر کرد.

شب میهمانی

عقربه ها ساعت ۶ عصر پنجشنبه ۲۶ مهرماه سال جاری را نشان می داد که خانواده ای در خیابان جنت آباد شمالی برای رفتن به یک میهمانی از خانه خارج شدند. ساعت ۲۳ شامگاه پنج شنبه بود که خانواده جوان از میهمانی به خانه بازگشتند و زمانی که وارد خانه شدند با صحنه عجیبی روبرو شدند.

اعضای خانواده با توجه به به هم ریختگی داخل خانه متوجه دستبرد از خانه شان شدند و پس از جست و جویی بردند دزدان در نبود آنها طلا، پول و وسایل با ارزش را به سرقت برده بودند.

پلیس در محل

همین کافی بود تا ماجرای سرقت به ماموران کلانتری ۱۳۸ جنت آباد مخابره شود و تیمی از ماموران برای تحقیقات ابتدایی پای در محل گذاشتند. ماموران در تحقیقات ابتدایی پی بردند که دزدان از مسیر بالکن وارد خانه شده و نقشه سرقت را به اجرا گذاشته اند. تیم پلیس در تجسس های میدانی در برابر دوربین مدار بسته ای که در نزدیکی محل سرقت بود قرار گرفتند.

ماموران در این مرحله به بررسی فیلم ضبط شده دوربین مدار بسته پرداختند و مشخص شد که دزدان با خودروی MWM پای در محل سرقت گذاشته و ۳ تن از آنها با حضور در خانه دستسب به سرقت زدند و در ادامه پس از اجرای نقشه شان با همان خودرو پا به فرار گذاشته اند.

عملیات پلیسی

ماموران شماره پلاک خودروی دزدان را در اختیار تیم های گشتی پلیس قرار دادند و طرح مهار در منطقه جنت آباد به اجرا درآمد.